

عکاسی خلاق (۱)

نمای نزدیک و ماکروگرافی

تالیف و نوشته:

آرش طوسی

سرشناسه	: طوسی، آرش، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: عکاسی خلاق (۱) نمای نزدیک و ماکروگرافی / تألیف و نوشته آرش طوسی.
مشخصات نشر	: مشهد: نشر تابران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.: مصور (رنگی).
شابک	: 964-5898-26-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: ماکروفتوگرافی
موضوع	: عکاسی هنری
موضوع	: عکس‌ها
رده بندی کنگره	: TP۶۸/۶۸ع۹ط۸۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۷۷۸/۳۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۵۷۲۵۸



مشخصات چاپ: نشر تابران مشهد دانش آموز ۵ پلاک ۳۰۶ طبقه اول
تلفاکس: ۶۰۹۶۵۳۷ (۰۵۱۱) همراه مدیر: ۰۹۱۵۱۱۹۹۸۳

عنوان: عکاسی خلاق (۱) نمای نزدیک و ماکروگرافی

نویسنده: آرش طوسی

ناشر: نشر تابران با همکاری انتشارات ترانه

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

شابک: ۹۶۴-۵۸۹۸-۲۶-۹

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات ترانه، مشهد، پاساژ مهتاب ۲۲۵۷۶۴۶

۰۹۱۵۵۱۱۹۹۸۳

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
فصل اول: کلیات.....	۱۱
تعریف ها.....	۱۱
نسبت همانندسازی (Reprography) : Reproduction Ratios.....	۱۴
انواع دوربین ها.....	۱۶
ثبت تصویر Image Capture.....	۱۶
Compact Camera.....	۱۶
DSLR.....	۱۷
فصل دوم: عکاسی نمای نزدیک (Close up Photography).....	۱۹
۱- نزدیک و نزدیک تر Close and closer.....	۱۹
۲- دنیای عکاسی از نمای نزدیک.....	۲۲
۳- عکاسی از محصولات مصنوعی Artifacts.....	۲۴
۴- پیدا کردن سوژه برای عکاسی ماکرو.....	۲۷
۵- عکسهای ماکروها و تاریک خانه دیجیتال.....	۳۰
عکاسی نمای نزدیک انتزاعی.....	۳۱
۶- دیدن از نمای نزدیک.....	۳۴
فصل سوم: لنزها (Lenses).....	۳۷
فاصله کانونی.....	۳۸
۱- حلقه های الحاقی.....	۳۹
۲- فیلترهای کلوز آپ.....	۴۰
۳- تجهیزات دیگر عکاسی ماکرو.....	۴۲

۴۲	 (Bellow) فانوس
۴۳	 (Lens Reversal Ring) حلقه معکوس کننده لنز
۴۴	 (Focusing Rail) ریل فوکوس
۴۵	 Lens Baby نمای نزدیک
۴۸	 استفاده از سه پایه
۵۱	 فصل چهارم:
۵۱	 ۱- فوکوس کردن (وضوح تصویر)
۵۴	 ۲- نوردهی در عکاسی نمای نزدیک (Exposing Close-ups)
۵۵	 ۳- استفاده از هیستوگرام نوردهی Using Exposure Histogram
۵۶	 ۴- بزرگ‌نمایی و نوردهی Magnification and Exposure
۵۷	 ۵- اندازه دیافراگم و عمق میدان (Aperture and Depth of Field)
۶۱	 فصل پنجم: نورپردازی عکسهای نمای نزدیک
۶۲	 ۱- نورپردازی
۶۵	 ۲- استفاده از فلاش ماکرو
۶۶	 ۳- قفل کردن آینه دوربین
۶۷	 قطرات آب یا جواهرات طبیعی
۶۹	 فصل ششم: عکاسی نمای نزدیک استودیویی
۶۹	 ۱- عکاسی از طبیعت بی‌جان
۷۹	 ۲- عکاسی از جواهرات
۸۲	 ۳- عکاسی از شیشه
۸۳	 فصل هفتم: عکاسی از گلها
۸۳	 ۱- هدف نهائی
۸۷	 ۲- شکوه و جلوه‌های قطره‌های آب
۹۳	 منابع

پیش‌گفتار

عکاسی (photography)

عکاسی عبارت است از ثبت و جاودانی ساختن لحظه‌ها و حوادث و صحنه‌هایی که ممکن است در زمانی کمتر از ثانیه اتفاق بیافتد و هرگز تکرار نشود. و یا ثبت حوادث و اتفاقاتی که به هر حال با گذشت بدون درنگ زمان، به تدریج محو و فراموش می‌شود.

بشر حداقل از حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش با نقاشی‌های درون غارها این تمایل خود را به ثبت تصاویر موجودات و حوادث و اتفاقات نشان داده است: انسان‌ها و جانوران در حال دویدن یا ایستادن در حال مبارزه و مانند آن.

واژه photography که در فارسی به عکاسی ترجمه شده از دو واژه لاتین photo به معنی نور و graphy به معنی کشیدن و نقاشی و ثبت کردن تشکیل یافته که معنی آن می‌شود «نقاشی و تصویربرداری با نور». معنای این کلمه به مقدار زیادی راهکار و عمل عکاسی را روشن می‌سازد.

برای ثبت تصویری از یک شیئی یا یک صحنه بر روی سطح حساس به نور یعنی برای درست شدن یک عکس، نور و بسیاری دیگر از انواع انرژی تابشی مانند اشعه x لازم است و مستقیماً دخالت می‌کند. کیفیت عکس به تنظیم همین نورها و تعیین جهت و حالت تابش و اثرگذاری آن‌ها مربوط می‌شود.

در ابتدا عکس‌ها عکس‌های آفتابی نامیده می‌شدند زیرا فقط از نور خورشید برای ایجاد

تصویر استفاده می‌شد. ولی امروز وسایل و امکانات زیادی وجود دارد که نور را به دلخواه عکاس و به تناسب سوژه تولید و کم و زیاد می‌کند. اینجاست که خلاقیت عکاس وارد عمل می‌شود تا بهترین حالت و بهترین شکل را از سوژه مورد نظر به گونه‌ای خلق کند که با کار سایر عکاس‌ها تفاوت داشته باشد و ماندگار شود.

یک تصویر واقعی که یک نقاش طی ساعتها و روزهای متمادی نقاشی می‌کرد با اختراع دوربین عکاسی می‌تواند با تمام جزئیاتش در کمتر از یک ثانیه توسط عکاس ثبت شود. امروزه عکاسی به صورت یکی از قدرتمندترین وسایل ارتباطی و از انواع ارتباط‌های دیداری درآمده است که به انحاء مختلف با زندگی بشر مربوط می‌شود. برای مثال عکاسی در ثبت حوادث و در تبلور خاطرات بسیار رایج شده است و هر روز میلیون‌ها عکس گرفته می‌شود که بسیاری از آنها ثبت مستندی از حوادث شخصی از قبیل تعطیلات، تولدها، و ازدواج‌ها و غیره هستند.

عکس‌ها به طور گسترده‌ای در روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و تلویزیون‌ها برای انتقال اطلاعات و تبلیغ محصولات و خدمات مختلف استفاده می‌شوند. عکاسی تقریباً در همه شئون و تلاش‌های انسانی از نجوم و طبیعت و تشخیص‌های پزشکی، مهندسی، کنترل کیفیت صنعتی و هزاران مورد دیگر کاربرد عملی دارد.

عکاسی دید بشر را حتی در حوزه‌اشیائی که قابل دیدن نیستند یا بیش از حد کوچک و یا بیش از اندازه بزرگ یا دور هستند گسترش می‌دهد و همچنین رویدادهائی را که به طور مداوم اتفاق می‌افتد و با چشم غیر مسلح قادر به دیدن آنها نیستیم، ثبت می‌کند.

دوربین در موقعیت‌های بسیار خطرناک نظیر صحنه‌های جنگ و انفجارها و درگیری‌های مسلحانه نیز به کار می‌رود و تاکنون خدمات بزرگی به ثبت وقایع دردناک و عبرت آموز از فجایع انسانی و دلاوری‌ها و ایثارهای انسان‌های مخلص به عمل آورده است

و بسیاری از رازهای سر به مهر را برملا ساخته است.

در عالم طبیعت نیز دوربین در پیدا کردن اسرار زندگی موجودات خطرناک و زیبایی‌های باور نکردنی دنیا خدمات باور نکردنی به عمل آورده است.

عکس‌ها به عنوان پدیده‌های هنری، همچنین در سطح وسیعی برای نمایش جزئیات زندگی انسان، حیوان، گل، درخت، گیاه و سایر موجودات همراه با قابلیت انتقال لذت هنری کاربرد دارند. عکاسی، در حال حاضر، برای میلیون‌ها نفر از مردم دنیا به عنوان یک (hobby) و سرگرمی رضایت‌بخش و یا یک حرفه ارزشمند و پرسود درآمده است.

عکاسی به عنوان هنر یا عکاسی هنری

امروزه عکاسی به طور گسترده‌ای به عنوان یکی از هنرهای زیبا شناخته شده است. عکس‌ها در موزه‌های هنری نمایش داده می‌شوند، برای کالکسیونرها با ارزش هستند، برای منتقدین قابل بحث و در رشته‌های تاریخ هنر قابل مطالعه می‌باشد. با این حال این همه داستان نیست. بسیاری معتقداند که چون عکس‌ها با ابزار مکانیکی نظیر دوربین، لنز و فلاش تولید می‌شوند بیشتر مربوط به تکنولوژی می‌شوند نه به هنر.

این بحث، در بسیاری از رشته‌های دیگر علوم و فنون مانند ترجمه نیز بسیار جنجال برانگیز شده و هنوز به نتیجه‌ای قابل قبول عمومی نرسیده است.

در مورد عکاسی استدلال مخالفین هنر بودن این رشته در این واقعیت قرار دارد که می‌گویند: دوربین فقط یک وسیله مکانیکی است و نظر به این که مراحل عکس برداری به طور خودکار انجام می‌شود، و به طور مستقیم با دست و چشم و دیگر مهارت‌های دستی که برای نقاشی و طراحی ضروری است انجام نمی‌گیرد، باید آن را جزو تکنولوژی به حساب آورد.

آنها به همین نحو می‌گویند که عکاسی احتیاج به تخیل و خلاقیت ندارد زیرا «سوژه» برای عکاس حاضر و آماده است و نیازی به دست کاری و چیدمان و تغییر و آماده سازی توسط عکاس ندارد. سوژه آماده است و عکاس فقط تکه‌ای را فشار می‌دهد و عکس تولید می‌شود!

حقیقت این است که یک دوربین با همه تجهیزات و ابزار خود کار و اتوماتیک خود جز تکه‌ای ابزار بی‌جان نیست. فقط وقتی که دست توانا و خلاق عکاس آنرا با علم و آگاهی کافی و مناسب به کار می‌اندازد، تبدیل به ابزاری موثر و مکمل برای فکر و روحیه و چشم عکاس می‌شود. دوربین هیچگاه خود به خود کاری انجام نمی‌دهد.

شاید بتوان دوربین را به عینک مطالعه شبیه کرد که کمک به دید بهتر می‌کند ولی چیزی را نمی‌خواند و مطالعه را انجام نمی‌دهد. در نهایت کسی که عینک به چشم می‌زند، بهتر مشاهده می‌کند و عمل خواندن و مطالعه را انجام می‌دهد!

در عکاسی نیز، این عکاس است که انتخاب می‌کند و در خلق آثار هنری موفق می‌شود. به نظر اینجانب برای عکاسی دو چیز لازم است: «مزر» و «چشم». ابزارهای مکانیکی مختلف فقط برای کمک به دید بهتر به کار گرفته می‌شوند.

عکاس طی مراحل مختلف سوژه خود را «انتخاب» و «خلق» می‌کند. با نگاه کردن از میان دریچه منظره یاب، عکاس تصمیم می‌گیرد چه چیزهایی را حذف کند و کدام قسمت‌ها را در داخل عکس خود نگه دارد، مانند نقاشی که تصمیم می‌گیرد کدام رنگ را در کجا به کار برد، باید فاصله مناسب برای هدف خود را بسجد و درست محاسبه کند و زاویه دقیقی را که بهترین زاویه است، باید پیدا کند و مهمتر از همه باید مناسب‌ترین لحظه را برای «کشیدن ماشه» انتخاب نماید. تا تیر مستقیم به هدف بخورد!

این انتخاب‌ها امکان دارد نیاز به ساعت‌ها شکیبایی داشته باشد تا نور به لحظه دلخواه

برسد و این زمان ممکن است فقط یک لحظه باشد و دیگر تکرار نشود ولی همیشه تصمیم عکاس برای انتخاب این لحظه‌ها بسیار ضروری و سازنده است.

عکاس می‌تواند میدان دید را برای خلاقیت و گیرایی بیشتر تصویر با استفاده از لنزهای مختلف محدود و یا گسترده‌تر سازد. وی می‌تواند با توجه به میزان سرعت shutter لحظات را ثابت کند و زمان را متوقف نماید. می‌تواند تأثیرات نور را به شکل‌های بی‌شمار با کمک نور فلش‌های مختلف ایجاد نماید و تغییر دهد و با کمک انواع فیلترها رنگهای گوناگون را وارد میدان کند.

اینها تنها جزئی از امکاناتی است که دستگاه‌های مکانیکی در اختیار عکاس قرار می‌دهند، در حالی که چگونگی تأثیرگذاری و لحظه‌شناسی و تغییرات آن همه و همه بستگی دارد به ذوق و دانش و شجاعت عکاس از حقایق رنگها و حالات و سکناات مختلف، که تفاوت عکاس‌ها را از نظر هنری نمایان می‌سازد.

دوربین همان جسم بی‌جان و ساکن است و هر روز در جهان میلیون‌ها نفر میلیون‌ها عکس می‌گیرند ولی از میان همه آن‌ها هر سال فقط چند نفر می‌درخشند و عنوان وزیر "عکاس هنری" را به خود اختصاص می‌دهند. در حالی که همه آن‌ها از یک وسیله مکانیکی به نام دوربین استفاده می‌کنند!

بنابراین درست است که دوربین وسیله‌ای مکانیکی است ولی عکاسی با دوربین نیز همان نکته‌های باریک‌تر از مو را که برای خلق آثار نقاشی و مجسمه‌سازی و دیگر آثار هنری لازم است، برای خود لازم دارد تا عکسی به وجود آورد که قابل نمایش در موزه‌ها باشد.

همین داستان برای آثار نقاشی و تصویرگری و جز آن، نیز صادق است. علاوه بر اینها در تاریکخانه هم دست و فکر و ایده‌های خلاق عکاس است که تغییرات لازم را و

انتخاب‌های مناسب را انجام می‌دهد و باز دخالت مغز و فکر و ایده‌های عکاسی خود را نشان می‌دهد.

امروز بیشتر موزه‌های هنری نمایشگاه‌های عکس، و بسیاری از آنها، بخش مخصوص عکاسی و تصاویر چاپ شده را دارند که پدیده‌ای تازه است. یکی از بهترین راه‌های مشاهده هنر عکاسی، بازدید از همین موزه‌ها است.

اگر به مجله‌های تصویری وزین مانند National Geographic هم توجه کنیم، هنر عکاسی را به خوبی ملاحظه خواهیم کرد.

همیشه اینگونه بوده است هر گاه چیز تازه‌ای پا به عرصه وجود می‌گذارد، عده‌ای بدون هیچگونه بررسی آن را با آغوش باز می‌پذیرند و برای آن تبلیغ هم می‌کنند! عده‌ای بی هیچ علت خاصی علیه آن بر می‌خیزند و بسیاری دیگر بی طرف می‌مانند و منتظر می‌شوند تا ببینند چه می‌شود و عاقبت کار به کجا می‌انجامد!

به نظر نگارنده بسیار منطقی است که همان طور که هنر سینما با آن همه دوربین‌ها و دستگاه‌ها و جلوه‌های ویژه که با ابزار مکانیکی انجام می‌شود به عنوان هنر هفتم پذیرفته شد. عکاسی نیز با آن همه آثار بدیع و تکان دهنده و تأثیر و دخالت مستقیم در رسانه‌ها و اطلاع رسانی‌ها و غیره و با قدرت زیادی که در ایجاد لذت روحی، تاطیف روح انسان و خلاقیت‌های هنری دارد، به حق جزو هنرهای تجسمی قرار گرفته است.

آرش طوسی